

## **Predicting Types of Bullying Based on Subscales of Moral Disengagement and Moral Identity in Elementary School Students in Tehran**

**Masoume Torkashvand\***

**Hadi Keramati\*\***

### **Abstract**

The present study aimed to predict the types of bullying based on the subscales of moral disengagement and moral identity in elementary school students. For this purpose, out of all male and female elementary school students in Tehran, 420 students were selected by cluster and simple random sampling methods, which included 203 male and 217 female students, 240 in the fifth and 180 in the sixth grade. Participants in the study answered the three questionnaires of bullying (Thornberg and Jangert, 2014), moral disengagement (Thornberg and Jangert, 2014), and moral identity (Aquino and Reed, 2003). Data were analyzed using the regression method and with the help of SPSS22 software. Considering the significance of the findings and the standardization of other indicators studied, both research hypotheses were confirmed and it was shown that the subscales of moral disengagement and moral identity both have a significant effect on predicting student bullying ( $p < 0.05$ ). Therefore, it can be concluded that according to the concept of moral agency, to examine the bullying of students, we can pay attention

\* PhD in Educational Psychology, Faculty of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author), torkashvand.mn@gmail.com

\*\* Assistant professor, Department of Educational Psychology, Faculty of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran, dr.hadikeramati@gmail.com

Date received: 14/07/2021, Date of acceptance: 08/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

to the degree of their moral disengagement and moral identity; that is, bullying has a positive relationship with moral disengagement and a negative relationship with moral identity.

**Keywords:** Bullying, Moral Disengagement, Moral Identity, Elementary School Students.

## پیش‌بینی انواع قلدری بر اساس زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی و هویت اخلاقی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران

معصومه ترکاشوند\*

هادی کرامتی\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی انواع قلدری بر اساس زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی و هویت اخلاقی، در دانش‌آموزان ابتدایی بود. به این منظور، از بین کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر تهران، با روش‌های خوشه‌ای و تصادفی ساده ۴۲۰ دانش‌آموز انتخاب گردید، که شامل، ۲۰۳ دانش‌آموز پسر و ۲۱۷ دانش‌آموز دختر بود که ۲۴۰ نفر در پایه پنجم و ۱۸۰ نفر در پایه ششم تحصیلی بودند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به سه پرسش‌نامه قلدری (تورنبرگ و جانگرت، ۲۰۱۴)، گسست اخلاقی (تورنبرگ و جانگرت، ۲۰۱۴) و هویت اخلاقی آکوینو و رید (۲۰۰۳) پاسخ دادند. این پژوهش با روش رگرسیون و با کمک نرم‌افزار spss22 تجزیه و تحلیل شد. با توجه به سطح معناداری یافته‌ها و همچنین استاندارد بودن دیگر شاخص‌های مورد بررسی، هر دو فرضیه پژوهش تأیید شده و نشان داده شد که زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی و هویت اخلاقی هر دو تأثیر معناداری در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان دارند (۰/۰۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مطابق با مفهوم عاملیت اخلاقی، جهت بررسی قلدری دانش‌آموزان، می‌توان به میزان

\* دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

torkashvand.mn@gmail.com

\*\* استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، dr.hadikeramati@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

گسست اخلاقی و هویت اخلاقی آنان توجه نمود. بدین صورت که قلدری با گسست اخلاقی رابطه مثبت، و با هویت اخلاقی رابطه منفی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** قلدری، گسست اخلاقی، هویت اخلاقی، دانش‌آموزان مقطع ابتدایی.

## ۱. مقدمه

قلدری پیامدهایی به دنبال دارد که معمولاً یک عمر در ذهن باقی می‌ماند. قلدری یعنی رفتاری پرخاش‌گرانه و تهاجمی که از روی عمد و به خاطر عدم تعادل در قدرت اتفاق می‌افتد (Nansel, Et al, 2001). گاهی اوقات این عدم تعادل در قدرت به دلیل تفاوت کودکان در قدرت فیزیکی روی می‌دهد. اما بیشتر، تفاوت در توانایی‌های ارتباطی و محبوبیت افراد است که باعث بروز قلدری می‌شود. به دلیل وجود چنین عدم توازن‌ها و تفاوت‌هایی، کودکانی که مورد قلدری واقع می‌شوند به سختی می‌توانند از خود دفاع کنند. معمولاً قلدری در طول زمان تکرار می‌شود. تعیین این مسأله که یک رفتار، فقط یک بار رخ داده و یا مانند الگویی مداوم در حال تکرار است نیز اهمیت دارد. هرچند بزرگترها باید هروقت رفتاری پرخاش‌گرانه را مشاهده کردند مداخله کنند؛ اما نحوه واکنش آنها به قلدری، در مقایسه با دیگر رفتارهای تهاجمی و پرخاش‌گرانه ممکن است تفاوت داشته باشد (Kowalski, 2008). هرچند مورد قلدری واقع شدن و محروم شدن، تجربیاتی می‌باشند که برای بیش‌تر کودکان ممکن است اتفاق بیفتند، اما نباید فکر کنیم که این تجارب اجتناب‌ناپذیر هستند. در حقیقت اگر برنامه‌های جامعی در مدارس اجرا شوند، باعث کاهش قلدری در بین دانش‌آموزان می‌شود (Limber, 2006). در حالی که تحقیقات بیش‌تری به منظور فهم و تشخیص بهتر خطرات مختلف قلدری و عوامل حفاظت در مقابل آن نیاز است که شامل تأثیرات گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی روی قلدری باشند، محققین گام‌های بلندی را در مورد فهم این پدیده و عوامل مؤثر بر آن برداشته‌اند. یکی از این موارد، بررسی رابطه آن با رشد اخلاقی است، زیرا پدیده قلدری را به عنوان یک رفتار غیراخلاقی در نظر می‌گیرند.

در واقع قلدری یک عمل غیراخلاقی ناشی از تکرار مقاصد و نیت‌های زیان‌آور و اثرات منفی آن‌ها روی یک فرد در یک موقعیت ضعیف‌تر است (Vaillan court & Henderson, 2010; Bauman, 2008). چنانچه از نتایج پژوهش‌های مطرح شده و همچنین پژوهش‌های

چند دهه اخیر در مورد روان‌شناسی اخلاق پیداست؛ رفتارهای اخلاقی و غیراخلاقی (مثل قلدری) تنها به استدلال اخلاقی مربوط نیستند و به‌منظور درک علل این نوع رفتارها، باید به سازه‌های دیگری از روان‌شناسی اخلاق مثل هویت اخلاقی و گسست اخلاقی نیز توجه کرد. گسست اخلاقی شامل مجموعه‌ای از مکانیزم‌های روانی است که از طریق آن‌ها، افراد می‌توانند بدون فشار خودتحریم‌های منفی، از قبیل احساس شرم و گناه، که معمولاً به دنبال رفتارهای غیراخلاقی می‌آیند؛ رفتار غیر اخلاقی خود را توجیه اخلاقی کنند (Bandura, 1990; Bandura, 1996 Caprara, Barbaranelli, Pastorelli, & Regalia, 1996; ) اکثر (Gini, 2006; Hymel, Rocke- Henderson, & Bonanno, 2005 & Obermann, 2011). مطالعاتی که در زمینه کودکان و نوجوانان در بررسی الگوهای اخلاقی در میان افراد قلدر انجام شده است، از چارچوب مفهومی گسست اخلاقی استفاده می‌کنند. این مطالعات نشان داده‌اند که قلدری در مدرسه رابطه مثبتی با گسست اخلاقی در نوجوانان (هایمل و بونانو، ۲۰۰۵؛ اُبرمن، ۲۰۱۱) و کودکان دارد (گینی، ۲۰۰۶؛ گینی، پازولی و هاوسر، ۲۰۱۱). برخی از مطالعات از ابزارهای اندازه‌گیری برای ارزیابی استراتژی‌های گسست اخلاقی کودکان و نوجوانان و ارتباط آن با قلدری استفاده کرده‌اند. در این مطالعات اسنادهای هیجانی و توجیهات اخلاقی کودکان و نوجوانان از یک مجرم در یک داستان فرضی پرسیده شد. این مطالعات نشان داد که کودکان (پرن، گاتویلر و گروبن، ۲۰۰۹) و نوجوانانی (هایمل، ۲۰۱۱) که بیشتر درگیر قلدری بودند، گسست اخلاقی بیش‌تری داشتند. بندورا (۱۹۹۹) هشت مکانیزم گسست اخلاقی، شامل چهار دسته گسترده که از طریق آن خودکنترلی اخلاقی رها می‌شود را شرح می‌دهد:

۱. بازسازی شناختی (به‌عنوان مثال: سرقت درمقایسه با قتل واقعاً رفتار زیان‌باری نیست)
۲. به حداقل رساندن نقش عامل (مثلاً: من تنها کسی نبودم که این کار را انجام دادم)
۳. بی‌توجهی یا تحریف عواقب (مثلاً: من واقعاً به او صدمه نرادم، او حالش خوب است)
۴. ضدانسانی خواندن یا سرزنش قربانی (مثلاً: او یک حیوان است و سزاوار آن‌چه که من با وی انجام دادم)

از طریق این مکانیزم‌های روانی ذکر شده، افراد می‌توانند بدون فشار خود تحریم‌های منفی، از قبیل احساس شرم و گناه، که معمولاً به دنبال رفتارهای غیراخلاقی می‌آیند؛ رفتار غیر اخلاقی خود را توجیه اخلاقی کنند (به عنوان مثال، بندورا، ۱۹۹۰؛ بندورا، کاپرارا، باربارانلی و پاستورلی، ۱۹۹۶؛ گینی، ۲۰۰۶؛ هایمل، روک-هندرسون و بنانو، ۲۰۰۵؛ ابرمن، ۲۰۱۱). در حقیقت مفهوم گسست اخلاقی در ادبیات قلدری مورد توجه زیادی واقع شده است. تقریباً دو دهه پژوهش نشان داده است که گسست اخلاقی با رفتارهای پرخاش‌گرانه ارتباط مثبت دارد (بندورا، باربارانلی، کاپرارا و پاستورلی، ۱۹۹۶؛ بندورا، کاپرارا، باربارانلی و پاستورلی، ۲۰۰۱؛ Barchia & Bussey، ۲۰۱۱؛ Paciello، ۲۰۰۸؛ Pelton، ۲۰۰۴؛ پورناری و وود، ۲۰۱۰؛ گینی، ۲۰۱۴) و با رفتارهای مثبت اجتماعی ارتباط منفی دارد (بندورا، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱) در موقعیت قلدری، دانش‌آموزان با سطوح بالای گسست اخلاقی، به احتمال بیشتری نقش قلدر (کاراویتا، گینی و پازولی، ۲۰۱۲؛ گینی، ۲۰۰۶؛ گینی، ۲۰۱۱؛ هایمل، ۲۰۰۵؛ جانگرت، ۲۰۱۴) و یا نقش طرفدار قلدر (گینی، ۲۰۰۶؛ پازولی، گینی و وینو، ۲۰۱۲؛ تورنبرگ و جانگرت، ۲۰۱۳) و به احتمال کم‌تری نقش قربانی را بازی می‌کنند (کاراویتا، ۲۰۱۲، گینی، ۲۰۰۶؛ ابرمن، ۲۰۱۱؛ نورنبرگ و جانگرت، ۲۰۱۳). به طور کلی قلدری کودکان بسیار غیر اخلاقی قلمداد می‌شود (Menesini، ۱۹۹۷؛ Thornberg، ۲۰۱۰). این همبستگی همچنین در زمینه قلدری در مدرسه نیز تأیید شده است (هایمل، ۲۰۰۵؛ گینی، ۲۰۰۶). از آنجا که قلدری در مدرسه یکی از مسائل اصلی کشورهای مختلف است (Eslea، Et al، ۲۰۰۳؛ Borntrager، Et al، ۲۰۰۹). لذا در این پژوهش به مسئله قلدری در مدرسه پرداخته می‌شود.

چندین نظریه اخلاقی وجود دارد که علاوه بر استدلال اخلاقی، هویت اخلاقی را به‌عنوان یک منبع کلیدی از انگیزه رفتار اخلاقی می‌بینند (بلاسی، ۱۹۸۰؛ Thoma، ۱۹۹۴). هویت اخلاقی اندیشیدن در مورد شناخت و ادراک از خود، که متمرکز بر شماری از صفات اخلاقی مانند مهربانی، عدالت، بخشندگی و ... است (آکوئینو و رید، ۲۰۰۲). هویت اخلاقی در واقع از فهم اخلاقی و هیجانات اخلاقی که منبع قوی‌تر و پایاتری برای انگیزش اخلاقی است، نشأت می‌گیرد (بلاسی، ۲۰۰۸؛ دامون و کلبی، ۱۹۸۳؛ لاپسلی، ۲۰۰۸).

درواقع امروزه در تحقیقات متعدد نشان داده شده افرادی که از لحاظ هویت اخلاقی در سطح بالاتری قرار دارند، پایبندی بیشتری نسبت به اخلاق دارند (هاردی و کارلو، ۲۰۰۵؛

لاپسلی، ۲۰۰۸). هویت اخلاقی پیچیده است و جنبه چند وجهی اخلاقی دارد که تعریف و عملیاتی کردن آن دشوار است (هارت و کارلو، ۲۰۰۵) و به طور کلی مستلزم یکپارچگی بین احساس فرد از اخلاق و احساس فرد از هویت است (کلبی و دامون، ۱۹۹۲؛ بلاسی، ۱۹۹۵). لذا بعد از این بیشتر پژوهش‌ها در اخلاق، بر ساختار هویت اخلاقی متمرکز شد. به طور کلی هویت اخلاقی مربوط است به این که تا چه حد بی‌اخلاقی فرد، به هویت فردی او بستگی دارد (هاردی، ۲۰۰۶). مفهوم هویت اخلاقی در روان‌شناسی به طور کلی با کار بلاسی (۲۰۰۴) و (۱۹۸۳) رشد یافت. بلاسی پیشنهاد کرد که هویت اخلاقی ممکن است به قضاوت‌های اخلاقی کمک کند و موجب شود که عمل اخلاقی مناسبی از فرد سر بزند. ما در ابتدا باید مسئولیت خودمان را در آن رفتار قضاوت کنیم؛ این که آیا ما در آن رفتار اخلاقی احساس مسئولیت می‌کنیم یا خیر، تا حد زیادی به هویت ما بستگی دارد. اگر قضاوت ما درباره مسئولیت ما نسبت به آن عمل، با مرکزیت هویت ما باشد، در فرد برای انجام عمل اخلاقی ایجاد انگیزه می‌شود، زیرا افراد منطبق با هویت خود به انجام رفتار هدایت می‌شوند (بلاسی، ۲۰۰۴). درباره فرایندها و پیش‌بینی‌های رشد هویت اخلاقی دانش کمی وجود دارد. هویت اخلاقی ممکن است شامل ادغام سیستم‌های اخلاق و خود باشد؛ و بعلاوه ممکن است شامل شکل‌گیری و افزایش دسترسی به طرح‌واره‌های اخلاقی نیز باشد (هایمل و کارلو، ۲۰۱۱). علاوه بر این شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تکامل شکل‌گیری هویت فردی و درک اخلاقی ممکن است پیش‌نیاز رشد هویت اخلاقی باشند (ماتسوبا و والکر، ۲۰۰۴). در نهایت؛ فعالیت در خدمات اجتماعی (پرات؛ پانسر و آلیست، ۲۰۰۳) و فعالیت‌های مذهبی (هارت و آتکینز، ۲۰۰۴) و هم‌چنین پدر و مادر توانمند و معتبر (پرات و همکاران، ۲۰۰۳؛ آکونو و رید، ۲۰۱۰) ممکن است زمینه تسهیل رشد هویت اخلاقی را فراهم کنند. در واقع برخی استدلال می‌کنند که هویت اخلاقی ممکن است بهترین پیش‌بینی کننده تعهد اخلاقی و اعمال اخلاقی باشد (دامون و هارت، ۱۹۹۲). مکانیزم‌هایی که درگیر و وابسته به چگونگی هویت اخلاقی هستند، مفهوم‌سازی شده‌اند. این مکانیزم‌ها ممکن است شامل خودانسجامی (بلاسی، ۲۰۰۴) حافظه شرح حال (Reimer، ۲۰۰۳) اهداف (کلبی و دامون، ۱۹۹۲) و طرح‌واره‌های اخلاقی (Narveaz & Lapsley، ۲۰۰۵) باشد.

در حالی که برخی از این مطالعات، رویکرد شخصیتی را مد نظر قرار می‌دهند (کلبی و دامون، ۱۹۹۲؛ Hart & Fegly، ۱۹۹۵) برخی نیز جهت شناختی-اجتماعی آن را

بررسی می‌کنند (Freeman، ۲۰۰۷ و Carter، ۲۰۰۶). اما در همه این دیدگاه‌ها، یافته‌ها به‌طور مداوم هویت اخلاقی را با رفتار اخلاقی در ارتباط می‌دانند. بنابراین و براساس پژوهش‌های مطرح شده، می‌توان گسست اخلاقی و هویت اخلاقی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های قلدری در نظر گرفت و به بررسی آن پرداخت. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که آیا گسست اخلاقی و هویت اخلاقی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای پدیده قلدری در بین دانش‌آموزان باشند؟

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

روش: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است، که با روش همبستگی و رگرسیون خطی انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss20 استفاده شده است. جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: به‌طور کلی تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده تعیین شود:  $15q \leq n < q$  که در آن  $q$  تعداد متغیرهای مشاهده‌شده یا تعداد گویه‌ها (سوالات) پرسش‌نامه و  $n$  حجم نمونه است. لازم‌به‌ذکر است تاکید همیشه بر این است که نمونه نباید از ۲۰۰ نفر کم‌تر باشد (هومن، ۱۳۸۴).

$$15(46) < n < 46$$

لذا با توجه به فرمول فوق، تعداد افراد نمونه بین ۲۳۰ تا ۶۹۰ نفر می‌تواند باشد که حد وسط آن یعنی ۴۲۰ نفر با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای و به تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت انتخاب شدند. در نهایت نمونه‌های پژوهش شامل، ۲۰۳ دانش‌آموز پسر و ۲۱۷ دانش‌آموز دختر بود که ۲۴۰ نفر در پایه پنجم و ۱۸۰ نفر در پایه ششم تحصیلی بودند.

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل موارد زیر است

پرسشنامه قلدری تورنبرگ و جانگرت (۲۰۱۴): مقیاس ۶ سؤالی قلدری برای اندازه‌گیری رفتار قلدری شرکت‌کنندگان استفاده شد. پایایی این پرسشنامه ۸۸ اعلام



## پیش‌بینی انواع قلدری براساس ... (معصومه ترکاشوند و هادی کرامتی) ۱۰۱

شده است. این پرسشنامه سه بعد از قلدری (فیزیکی، کلامی، و رابطه‌ای) را می‌سنجد. سوالات ۱ و ۴ قلدری کلامی، سوالات ۳ و ۶ قلدری فیزیکی و سوالات ۲ و ۵، قلدری ارتباطی را می‌سنجند. همچنین هر سؤال پنج مقیاس پاسخگویی دارد: ۰) من آن را انجام نمی‌دهم (۱) به ندرت (۲) دوسه بار در ماه (۳) حدود یک بار در هفته (۴) چندین بار در هفته. پایایی آن در پژوهش حاضر، با روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۲ محاسبه شده است. روایی این ابزار در پژوهش تورنبرگ و جانگرت (۲۰۱۴) و همچنین در پژوهش حاضر، به‌وسیله روایی صوری و محتوایی تأیید شد.

پرسشنامه گسست اخلاقی تورنبرگ و جانگرت (۲۰۱۴): مقیاس ۱۸ سؤالی گسست اخلاقی در قلدری برای اندازه‌گیری گسست اخلاقی در موقعیت‌های قلدری استفاده شد. هر سؤال هفت مقیاس پاسخ‌گویی دارد: ۱ به معنی مخالف و ۷ به معنی موافق است. پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش تورنبرگ و همکاران (۲۰۱۶)؛ ۰/۹۰ به دست آمده است. این پرسش‌نامه شامل هفت زیرمقیاس به شرح زیر است: ۱. توجیه اخلاقی: سوال ۱ و ۱۲/۲. برچسب زدن بدون سوء نیت: سوال ۸ و ۱۰/۳. مقایسه منفعتی: سوال ۵ و ۱۸/۴. انتقال مسئولیت: ۷، ۱۳ و ۱۶/۵. پخش مسئولیت: ۹ و ۱۵/۶. وخامت عواقب: ۲، ۶، ۱۱ و ۱۴/۷. اسناد رفتار قلدری به قربانی: ۳، ۴ و ۱۷. پایایی آن در پژوهش حاضر، با روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ محاسبه شده است. روایی این ابزار در پژوهش تورنبرگ و جانگرت (۲۰۱۴) و هم‌چنین در پژوهش حاضر، به‌وسیله روایی صوری و محتوایی تأیید شد.

پرسش‌نامه هویت اخلاقی آکوینو و رید (۲۰۰۳): مقیاس «خود اهمیت دهی هویت اخلاقی» مقیاسی خودگزارش دهی است که در سال ۲۰۰۳ توسط آکوینو و رید ساخته و اعتبار یابی شده و دارای دو زیر مقیاس درونی سازی (میزانی که صفات اخلاقی در خودپنداره فرد مرکزیت یافته) و نمادی سازی (میزانی که هر آزمودنی هویت اخلاقی را در ظاهرش نشان می‌دهد) است. در ابتدا از افراد خواسته می‌شود تا به صفات اخلاقی که در بالای پرسشنامه نوشته شده، توجه کنند. صفاتی چون مهربان، عادل، زحمت کش و ... پس از آن ۱۰ سوال درباره این صفات از آزمودنی‌ها پرسیده می‌شود تا میزانی که داشتن این صفات برای فرد مهم است، تعیین شود. شرکت‌کنندگان هر سؤال را با توجه به ۷ مقیاس پاسخ می‌دهند؛ که ۱ به معنی کاملاً مخالف و ۷ به معنی کاملاً موافق است. این پرسش‌نامه شامل دو زیرمقیاس است: درون‌سازی (سؤال ۱-۲-۴-۷-۱۰) و نمادسازی (۳-۵-۶-۸-۹)

است. پایایی این پرسشنامه ۷۵٪ گزارش شده است. پایایی آن در پژوهش حاضر، با روش آلفای کرونباخ، ۸۱٪ محاسبه شده است. روایی این ابزار در پژوهش آکوئینو و رید (۲۰۰۳) و هم‌چنین در پژوهش حاضر، بوسیله روایی صوری و محتوایی تأیید شد.

### ۳. یافته‌ها

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آورده شده است. با توجه به نتایج این جدول، در پرسشنامه گسست اخلاقی، از بین ۷ مؤلفه مورد بررسی، میانگین مؤلفه انتقال مسئولیت (۱۰/۷۲) از بقیه مؤلفه‌ها بیشتر است. در پرسشنامه قلدری، بیشترین میانگین مربوط به مؤلفه قلدری ارتباطی (۴/۷۱) می‌باشد. هم‌چنین در پرسشنامه هویت اخلاقی، میانگین مؤلفه درون‌سازی (۳۰/۷۴) می‌باشد که با تفاوت بالا، از میانگین مؤلفه‌های دیگر متغیرها نیز بیشتر است.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	میانگین	انحراف استاندارد
توجیه اخلاقی	۴/۴۶	۳/۲۰
برچسب زدن بدون سوءنیت	۶/۷۳	۳/۶۸
مقایسه منفعتی	۵/۸۵	۳/۶۴
انتقال مسئولیت	۱۰/۷۲	۵/۲۲
پخش مسئولیت	۷/۶۷	۳/۴۶
وخامت عواقب	۱۰/۰۱	۵/۴۲
اسناد رفتار قلدری به قربانی	۶/۱۰	۳/۴۹
قلدری فیزیکی	۰/۴۸۹	۱/۰۴
قلدری کلامی	۱/۵۶	۱/۵۹
قلدری ارتباطی	۴/۷۱	۲/۹۲
درون‌سازی	۳۰/۷۴	۵/۰۴
نمادسازی	۲۴/۲۴	۷/۲۴

پیش از انجام آزمون رگرسیون، پیش‌فرض خطی بودن، همبستگی متغیرها و نرمال بودن آن‌ها سنجیده شد و همه پیش‌فرض‌ها برقرار بود.

پیش‌بینی انواع قلدری براساس ... (معصومه ترکاشوند و هادی کرامتی) ۱۰۳

جدول ۲. ضرایب رگرسیونی زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P
توجیه اخلاقی	۰/۱۲۸	۰/۰۵۷	۰/۱۳۷	۲/۵۳۶	۰/۰۰۳
برچسب زدن بدون سوء نیت	۰/۲۰۲	۰/۰۳۷	۰/۳۶۷	۵/۴۴۰	۰/۰۱۲
مقایسه منفعتی	-۰/۱۶۲	۰/۰۴۵	-۰/۱۹۰	-۳/۶۰۳	۰/۰۰۰
انتقال مسئولیت	۰/۱۸۲	۰/۰۴۸	۰/۲۱۶	۳/۷۶۱	۰/۰۰۰
پخش مسئولیت	-۰/۱۶۸	۰/۰۲۹	-۰/۲۸۶	-۵/۸۵۸	۰/۰۰۰
وخامت عواقب	-۰/۰۲۵	۰/۰۵۳	-۰/۰۲۹	۰/۴۷۳	۰/۶۳۷
اسناد به قربانی	۰/۰۹۶	۰/۰۴۵	۰/۱۰۵	۲/۱۲۲	۰/۰۳۴
توجه:	R <sup>2</sup> =0/296	F=24/718	R=0/544	ADJ.R <sup>2</sup> = /284	

چنان‌چه در جدول ۲ دیده می‌شود میزان ضریب تعیین تعدیل شده ( $ADJ.R^2$ ) نشان می‌دهد که زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی، ۲۸ درصد از واریانس قلدری را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین با توجه به میزان بتای مربوط به هر یک از زیرمقیاس‌ها، باید گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره توجیه اخلاقی، برچسب زدن بدون سوء نیت، مقایسه منفعتی، انتقال مسئولیت، پخش مسئولیت، وخامت عواقب و اسناد به قربانی، به ترتیب نمره قلدری ۰/۱۳، ۰/۳۶، ۰/۱۹، ۰/۲۱، ۰/۲۸، ۰/۰۲ و ۰/۱۰ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. لذا با در نظر گرفتن مقادیر  $F$ ،  $P$ -Value و  $T$  می‌توان نتیجه گرفت: به جز زیرمقیاس وخامت عواقب، بقیه زیرمقیاس‌ها در سطح معناداری مطلوبی قرار دارند و بنابراین فرضیه اول تحقیق به طوری کلی تأیید و فرض صفر رد می‌شود ( $P$ -Value 0/05). پس می‌توان گفت که زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی (به جز وخامت عواقب) می‌توانند پیش‌بینی کننده مناسبی برای قلدری باشند. یعنی با افزایش گسست اخلاقی، میزان قلدری نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۳. ضرایب رگرسیونی زیرمقیاس‌های هویت اخلاقی در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P
درون‌سازی	-۰/۲۲۲	۰/۰۳۱	-۰/۳۶۷	-۷/۲۰۶	۰/۰۰۰
نمادسازی	-۰/۰۵۹	۰/۰۲۲	-۰/۱۳۸	-۲/۷۱۲	۰/۰۰۷
توجه:	R <sup>2</sup> =0/207	F= 54/371	R=0/455	ADJ.R <sup>2</sup> = /203	

جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان ضریب تعیین تعدیل شده ( $ADJ.R^2$ ) دو زیر مقیاس درون‌سازی و نمادسازی، ۲۰ درصد از واریانس قلدری را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین باتوجه به میزان بتای مربوط به هر یک از زیرمقیاس‌ها، باید گفت که با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره درون‌سازی، نمره قلدری ۰/۳۶ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. همچنین با افزایش یک انحراف معیار در نمره نمادسازی، نمره قلدری ۰/۱۳ افزایش می‌باشد. لذا با در نظر گرفتن مقادیر  $F.P\text{-Value}$  و  $T$  می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه دوم تحقیق تأیید و فرض صفر رد می‌شود ( $P\text{-Value} 0/05$ ). پس می‌توان گفت که زیرمقیاس‌های هویت اخلاقی نیز می‌توانند پیش‌بینی کننده میزان قلدری باشند. یعنی با افزایش هویت اخلاقی، میزان قلدری کاهش می‌یابد.

#### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

اغلب مفهوم قلدری بدیهی قلمداد شده و با عنوان پرخاشگری خطاب می‌شود. اما در واقع قلدری نوعی از پرخاشگری که تحت شرایط خاصی اتفاق می‌افتد. مطابق با نظر متخصصان، قلدری زمانی رخ می‌دهد که عدم توازن قدرت بین افراد وجود داشته باشد، که این عدم توازن قدرت می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد. قلدر ممکن است به لحاظ فیزیکی قوی‌تر باشد، یا به لحاظ کلامی در آزار فرد مقابل تبحر بیشتری داشته باشد، و یا این‌که مهارت‌های اجتماعی بیشتر، موقعیت اجتماعی تحکم‌آمیزتر و یا حامیان بیشتری داشته باشد. به بیان دیگر، قلدری به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافی از قبیل؛ تسلط و محبوبیت در یک گروه از همسالان استفاده می‌شود. بنابراین رفتار قلدری نشان دهنده یک عمل غیر اخلاقی است، زیرا این رفتار حقوق اساسی کودکان در زمینه آموزش، آزادی و امنیت را ضایع می‌کند. براین اساس در این پژوهش، در کنار مسئله قلدری، به عنوان متغیر پیش‌بینی شونده، مفهوم «اخلاق» نیز به عنوان متغیر پیش‌بینی کننده انتخاب گردید که دو بعد از این مفهوم مد نظر این تحقیق بود: یعنی «گسست اخلاقی» و «هویت اخلاقی». برای این‌که مفهوم قلدری در حوزه اخلاق بهتر درک شود، نظریه شناختی-اجتماعی بندورا از عاملیت انسانی به عنوان چارچوب مفهومی مناسب انتخاب شد که در آن ابعاد اخلاقی قلدری هم توصیف می‌شود. این نظریه که در چارچوب شناختی اجتماعی به وضوح نقش فرآیندهای اخلاقی خود نظارتی در رفتارهای منفی را تأیید می‌کند، تئوری شناختی

پیش‌بینی انواع قلدری براساس ... (معصومه ترکاشوند و هادی کرامتی) ۱۰۵

اجتماعی عاملیت اخلاقی بندورا (۱۹۸۶) است. بندورا مفهوم گسست اخلاقی را برای فرآیندهای اجتماعی و شناختی مطرح کرد که در آن افراد می‌توانند بدون احساس گناه رفتار غیراخلاقی خود را توجیه کنند.

چنانچه در ابتدای این پژوهش مطرح شد، مفهوم گسست اخلاقی در بحث قلدری بسیار مورد توجه است. تحقیقات دهه‌های اخیر نشان داده‌اند که افرادی که مکانیزم‌های گسست اخلاقی را استفاده می‌کنند، بیشتر تمایل دارند که رفتار قلدری داشته باشند. در واقع؛ گسست اخلاقی با رفتارهای پرخاشگرانه و ضداجتماعی ارتباط مثبت و با رفتارهای اجتماعی ارتباط منفی دارد. متغیر دیگر، هویت اخلاقی است. شکل‌گیری هویت اخلاقی، موجب افزایش یکپارچگی اخلاقی در فرد و شیوه خاص نگاه او به خود می‌شود. محققان معتقدند آنچه پایبندی به رفتار اخلاقی را آسان می‌کند، شکل‌گیری هویت اخلاقی است؛ به‌گونه‌ای موجب می‌شود که ارزش‌های اخلاقی جزء درونی شخصیت فرد شود. برخی اعتقاد دارند که هویت اخلاقی در دوران نوجوانی تحکیم می‌یابد و با خود (Self) ارتباط زیادی دارد. در واقع هویت اخلاقی یک منبع مهم انگیزه عمل اخلاقی نیز است که به تطابق بیشتر بین اصول اخلاقی شخص و انجام عمل اخلاقی منجر می‌شود.

در فرضیه اول پژوهش اشاره شد که زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای پدیده قلدری در دانش‌آموزان هستند.

از آن‌جا که مقدار آماره به‌دست آمده ( $F=24/718$ ) در سطح مورداطمینان ( $P \text{ Value } 0/05$ ) قرار گرفته است، لذا فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شد. پس مشخص می‌شود بین گسست اخلاقی و قلدری رابطه وجود دارد و زیرمقیاس‌های گسست اخلاقی می‌توانند پیش‌بین کننده پدیده قلدری باشند. البته لازم به ذکر است که از بین ۷ زیرمقیاس گسست اخلاقی، یکی از آنها -یعنی وخامت عواقب- رابطه معناداری را نشان نمی‌داد، که دلایل آن می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد.

در تأیید نتایج این فرضیه، پژوهش‌های زیادی یافت شد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد؛ مازون، کامودکا و سلمیولی (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که گسست اخلاقی با سطوح بالای قلدری همراه بود. همچنین نشان دادند که افزایش گسست اخلاقی، موجب افزایش رفتارهای قلدرانه در دانش‌آموزان شد. تورنبرگ، پازولی، گینی و جانگرت (۲۰۱۶) نیز که به بررسی اثرات گسست اخلاقی در قلدری در

دانش‌آموزان پرداخته بودند؛ در نتایج خود بیان داشتند: گسست اخلاقی با قلدری رابطه مثبت داشت، رابطه مثبت بین گسست اخلاقی با قلدری؛ در پژوهش حاضر نیز تأیید شد. علاوه بر این، نورنبرگ و همکاران دریافتند دانش‌آموزانی که در گسست اخلاقی نمره پایین کسب کردند تمایلی به قلدری نسبت به دانش‌آموزان دیگر نداشتند؛ اما زمانی که گسست اخلاقی نمره بالایی داشت، رفتار قلدری افزایش می‌یافت. وانگ، یانگ، گائو و ژائو (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به بررسی متغیرهای این فرضیه پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که گسست اخلاقی بر قلدری تأثیر دارد. به طور مشخص، رفتار قلدری در سطح پایین‌تر از گسست اخلاقی، بیشتر مشاهده می‌شود.

هایمل و بنانو (۲۰۱۵) به بررسی فرآیند گسست اخلاقی بر قلدری، پرداختند؛ که نتایج آن با نتایج فرضیه مورد بررسی هم‌سو و هم‌جهت بود. این پژوهش همچنین ارتباط قابل توجهی بین توانایی رها کردن اخلاق، خود تحریمی و رفتار تهاجمی (از جمله قلدری) را نشان دادند. پرن و هلفننگر (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود به بررسی گسست اخلاقی در ارتباط با قلدری سنتی و سایبری پرداختند. نتایج نشان داد گسست اخلاقی -خصوصاً مقیاس توجیه اخلاقی آن- در قلدری سنتی پیش‌بینی کننده بود اما در قلدری سایبری پیش‌بینی‌کننده چندانی نبود. پیش‌بینی‌کنندگی گسست اخلاقی برای قلدری در پژوهش حاضر نیز تأیید شده بود.

علاوه بر موارد ذکر شده، پژوهش‌های گری و وگنر (۲۰۱۱)، بیرهوف (۲۰۰۲)، آیزنبرگ (۲۰۰۰)، آلمدا، کاریا و مارینهو (۲۰۱۰)، هاید (۲۰۱۰)، بندورا (۱۹۹۶)، پرن و گاتویلر (۲۰۱۲)، اُبرمن (۲۰۱۱) هافمن (۲۰۰۰)، نانسی (۲۰۰۱)، منسی، (۲۰۰۳)؛ پرن و گاتویلر، (۲۰۱۲)؛ پرن مالتی و هایمل، (۲۰۱۲)، هلکاما (۲۰۰۷)، آلتف، (۲۰۱۲)، بندورا (۱۹۹۹، ۲۰۰۴)، هیت، بیورکلاند و مورفی (۲۰۰۰)، خاکپور و همکاران (۱۳۹۱) و اکرمی و همکاران (۱۳۹۳) هر کدام به نقش یکی از ابعاد رشد اخلاقی بر رفتارهای ضداجتماعی (مثل قلدری) پرداخته‌اند و نتایج آن‌ها به نوعی مؤید نتایج حاصل از فرضیه اول پژوهش هستند. تقریباً پژوهشی وجود نداشت که مخالف نقش پررنگ رشد اخلاقی در قلدری باشد.

در فرضیه دیگر پژوهش مطرح شد که زیرمقیاس‌های هویت اخلاقی، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای پدیده قلدری در دانش‌آموزان هستند. از آنجا که در

پیش‌بینی انواع قلدری براساس ... (معصومه ترکاشوند و هادی کرامتی) ۱۰۷

فرضیه دوم، مقدار آماره بدست آمده ( $F=54/371$ ) در سطح مورد اطمینان ( $P\text{-Value } 0/05$ ) قرار گرفته است، لذا در این مقیاس نیز فرض صفر رد و فرضیه دوم تحقیق تأیید گردید؛ بنابراین مشخص می‌شود زیرمقیاس‌های هویت اخلاقی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای پدیده قلدری هستند.

نتایج تحقیق وانگ، یانگ و لی (۲۰۱۷) که در مورد خشونت و قلدری در نوجوانان، انجام شده است نیز تأیید کننده نتایج فرضیه دوم است که در آن وانگ و همکاران بیان می‌کنند که اگر چه صفت خشونت نقش مهمی در قلدری دارد، اما باید به نقش مکانیسم‌های زیربنایی مؤثر در قلدری نیز توجه نمود. آنان هویت را به عنوان یکی از عوامل مرتبط با قلدری مطرح کردند. همچنین نتایج تحقیقات بلاسی (۲۰۰۵)، کلبی و دامون (۱۹۹۲)، ناروز و لپسلی (۲۰۰۵)، هارت و فگلی (۱۹۹۵)، فریمن (۲۰۰۷)، کارتر (۲۰۰۶) و ریمر (۲۰۰۳) نیز تأیید کننده نتایج این فرضیه بودند. علاوه بر آن کوئینو و رید (۲۰۰۲) نیز در پژوهشی که در اهمیت هویت اخلاقی انجام دادند؛ به نوعی نتایج این فرضیه را تأیید کرده و بیان می‌کنند: هویت اخلاقی می‌تواند با استفاده از مکانیسم‌های خودتنظیمی بر روی عملکرد اخلاقی فرد تأثیر بگذارد؛ که در واقع این مکانیسم‌های خودتنظیمی رقیب اصلی مکانیسم‌های گسست اخلاقی هستند و فرد دارای هویت اخلاقی مثبت، می‌تواند مکانیسم‌های گسست اخلاقی را کاهش و در برابر رفتارهای غیراخلاقی، هیجان منفی ایجاد کند و به تبع آن موجب کاهش رفتارهای غیراخلاقی (مثل قلدری) شود. در تأیید نتایج این فرضیه، با تکیه بر پژوهش‌های صورت گرفته در چند دهه اخیر، می‌توان گفت پژوهشگران به طور فزاینده متقاعد شده‌اند که هویت ممکن است نقش مهمی در عملکرد اخلاقی داشته باشد و بیش از همه، تحقیقات بلاسی (۱۹۸۳، ۱۹۸۴، ۱۹۹۵) آغازگر امیدوارکننده‌ای برای درک ارتباط بین هویت و عملکرد اخلاقی است.

در روان‌شناسی اخلاق به خاطر تسلط رویکرد رشدنگر شناختی کالبرگ و پیازه تا سال‌ها اخلاقیات در افراد صرفاً بر اساس استدلال‌های آن‌ها بررسی می‌شد. در چند دهه اخیر تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفت که استدلال اخلاقی را به عنوان تنها پیش‌بین رفتار اخلاقی ناکافی دانستند و پیشایندهای دیگری را پیشنهاد کردند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، گسست اخلاقی بود. یکی دیگر از پیشایندهای رفتار اخلاقی که می‌بایست بدان توجه نمود، هویت اخلاقی است. هویت مثبت اخلاقی موجب برانگیخته شدن انگیزه‌های

اخلاقی در فرد می‌شود. اگر به پیشینه‌های مربوط به رشد اخلاقی و قلدری، کمی دقیق‌تر توجه شود، می‌توان به این ادراک رسید که همه این عوامل، ریشه در خود اخلاقی فرد دارند، لذا توجه به مفهوم «خود» و راه‌کارهای تقویت خود اخلاقی می‌تواند منجر به این امر شود که افراد با استفاده از مکانیسم‌های هویت اخلاقی و فعال نمودن آنها، راحت‌تر مکانیسم‌های گسست اخلاقی را کنار بگذارند و بتوانند در هنگام ارتکاب به اعمال غیراخلاقی (مثل قلدری)، با کمک گرفتن از هویت اخلاقی خود، تصمیم به خودداری از عمل غیراخلاقی بگیرند.

### کتاب‌نامه

خاکپور، مسعود، مهرآفرید، معصومه. (۱۳۹۱). قضاوت اخلاقی کودکان پیش‌دبستانی پنج‌وشش ساله. تفکر و کودک. 3(5). 1-14.

اکرمی، لیلا، قمرانی، امیر، یارمحمدیان، احمد. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش فلسفه بر قضاوت اخلاقی و عزت نفس دانش‌آموزان نابینا. تفکر و کودک 5(10). 1-16.

- Aquino k, Reed A, (2010) Moral identity. current opinion in psychology (6): 162-166.
- Aquino K. Reed A. (2002) The Self Importance of Moral Identity. Journal of Personality and Social Psychology;83:1423-1440.
- Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action: A social cognitive theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, (5)1, 37-38.
- Bandura, A. (1990). Selective activation and disengagement of moral control. J Soc Issues, (46)1, 27-46
- Bandura, A. (1999). Moral disengagement in the perpetration of inhumanities. Personality and Social Psychology Review, (3)3, 193-209.
- Bandura, A. (2002). Selective moral disengagement in the exercise of moral agency. J Moral Educ, (3)1, 101-119.
- Bandura, A. (2004). Selective exercise of moral agency. In T. A. Thorkildsen & H. J. Walberg (Eds.), *urturing morality* (pp. 37-57). Boston: Kluwer Academic.
- Bandura, A. Barbaranelli, C. Caprara G.V. (1996). Mechanisms of moral disengagement in the exercise of moral agency. J Pers Soc Psychol, (71)2, 364-367.
- Bandura, A. Barbaranelli, C. Caprara, G. V. & Pastorelli, C. (1996). Mechanisms of moral disengagement in the exercise of moral agency. Journal of Personality and Social Psychology, (71)2, 364- 374.



- Bandura, A. Caprara, G. V. Barbaranelli, C. & Pastorelli, C. (2001). Sociocognitive self-regulatory mechanisms governing transgressive behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, (80)1, 125–135.
- Blasi, A. (1983). Moral cognition and moral action: A theoretical perspective. *Developmental Review*, (3)2, 178-210.
- Caravita, S. C. S. Gini, G. & Pozzoli, T. (2012). Main and moderate effects of moral cognition and status on bullying and defending. *Aggressive Behavior*, (38)3, 456–468.
- Colby, A, & Damon, W. (1992). *Some do care: Contemporary lives of moral commitment*. New York: Free Press.
- Eisenberg, N. (2000). Emotion, regulation, and moral development. *Annual Review of Psychology*, (51)8, 665–697.
- Gini, G. (2006). Social cognition and moral cognition in bullying: What's wrong? *Aggressive Behavior*, (32)6, 528–539.
- Hart, D. & Carlo, G. (2005). Moral Development in Adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, (15)3, 223-233.
- Hoffman, M. L. (2000). *Empathy and moral development*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hymel S, Carlo G. (2011) Moral identity: What is it, How Does It Develop, and Is It Link To Moral Action? *Child Development perspectives*;3(5):212-218.
- Hymel, S. Roche-Henderson, N. & Bonanno, R. A. (2005). Moral disengagement: A framework for understanding bullying among adolescents. *Journal of Social Sciences*, 8, 1–11.
- Hymel, S. Schonert-Reichl, K. A. Bonanno, R. A. Vaillancourt, T. & Roche Henderson, N. (2010). Bullying and morality. In S. R. Jimerson, S. M. Swearer, & D. L. Espelage (Eds.), *Handbook of bullying in schools: An international perspective* (pp. 101–118). New York: Routledge.
- Kowalski, R, Limber, S. & Agatston, P. (2008), *Cyber Bullying Bullying in the Digital Age*, Blackwell publishing.
- Lapsley, D. K. (2008). Moral Stage Theory. In Killen, M. & Smetana, J.G. (2006). *Handbook of Moral Development*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Association, Inc. Publishers.
- Menesini, E. Esla, M. Smith, P. K. Genta, M. L. Giannetti, E. Fonzi, A. et al. (1997). A crossnational comparison of children's attitudes towards bully/victim problems in school. *Aggressive Behavior*, 29, 1–13.
- Nansel, T. R. Overpeck, M. Pilla, R. S. Ruan, W. J. Simons-Morton, B. & Scheidt, P. (2001). Bullying behaviors among U.S. youth: Prevalence and association with psychosocial adjustment. *the American Medical Association*, (285)16, 2094-2100.
- Obermann, M.L. (2011). Moral disengagement in self-reported and peer-nominated school bullying. *Aggressive Behavior*, (37)2, 133–144.

- Olthof, T. (2012). Anticipated feelings of guilt and shame as predictors of early adolescents' antisocial and prosocial interpersonal behavior. *European Journal of Developmental Psychology*, (9)3, 371–388.
- Perren, S., Malti, T., & Hymel, S. (2012). Moral reasoning and emotion attributions of adolescent bullies, victims, and bully-victims. *British Journal of Developmental Psychology*, (30)4, 511–530.
- Pozzoli, T., Gini, G. & Vieno, A. (2012). Individual and class moral disengagement in bullying among elementary school children. *Aggressive Behavior*, (38)5, 378–388.
- Thornberg, R. & Jungert, T. (2013). Bystander behavior in bullying situations: Basic moral sensitivity, moral disengagement and defender self efficacy. *Journal of Adolescence*, 36, 475– 483.
- Thornberg, R. & Jungert, T. (201 ). Bystander behavior in bullying situations: Basic moral sensitivity, moral disengagement and defender self-efficacy. *Journal of Adolescence*, (36)3, 475– 483.
- Thornberg, R. & Jungert, T. (2014). School Bullying and the Mechanisms of Moral Disengagement, *Aggr. Behav*, (40)2, 99–108.
- Thornberg, R., Pozzoli, T., Jungert, T. (2016). Unique and Interactive Effects of Moral Emotions and Moral Disengagement On Bullying and Defending Among School Children. *The Elementary School Journal*, (116)2, 322-337.
- Thornberg, R., Pozzoli, T., Jungert, T. (2016). Unique and Interactive Effects of Moral Emotions and Moral Disengagement On Bullying and Defending Among School Children. *The Elementary School Journal*, (116)2, 322-337.
- Wang, X., Yang, J. & Gao, L. (2017). maltreatment and Chinese adolescents' bullying and defending: The mediating role of moral disengagement. *Child Abuse & Neglect*, 69, 134-144.